

جنگ دوم سگ

ابراہیم نصر اللہ

عبدالعزیز شہبازی



انتشارات مدیا

سرشناسه	: نصرالله، ابراهیم، ۱۹۵۴ - م.
عنوان قراردادی	: حزب الکلب الثانیه، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: جنگ دوم سگ / نوشته ابراهیم نصرالله، مترجم عبدالله ضابطی.
مشخصات نشر	: رشت: سمّام، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۲۷-۱۸-۹
وضعیت فهرست	: فیا
نویسی	: داستان‌های عربی - فلسطین - قرن ۲۰ م.
موضوع	: arabic fiction - Palestine - 20 th century
موضوع	: ضابطی، عبدالله، ۱۳۲۹ - مترجم
شناسه افزوده	: پ ۱۳۹۷ ۴۰۳۳ ص ۳۸ / PJA۴۸۹۶
رده‌بندی کنگره	: ۸۲۹/۷۲۶
رده‌بندی دیویی	: ۵۵۱۴۳۳۴
رده کتابشناسی	
ملی	



انتشارات سمّام

جنگ دوم سگ

ابراهیم نصرالله

عبدالله ضابط

طرح جلد: ناصر عبدالله زاده

ویراستار: عاطفه صادقی (زیر نظر مؤسسه فرهنگی و هنری معیار سخن)

چاپ اول: ۱۳۹۹

چاپ: توکل

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۲۷-۱۸-۹

ISBN: 978-600-8327-18-9

همه حقوق چاپ و نشر کتاب برای ناشر محفوظ است.

انتشارات سمّام

رشت - خ مطهری - پلاک ۸۸ - تلفن: ۰۱۳-۳۲۳۲۰۷۸۹

www.nashresomam.ir

E - mail: SOMAM_PUBLISHING @ YAHOO.COM

این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است.

فهرست

۹	سخن مترجم
۱۵	به جای مقدمه
۱۷	پیش درآمدهای جنگ
۲۲	از شگفتی تا فاجعه
۱۴۸	جایزه ادبی نوبل
۱۶۳	فصل آشوب
۲۳۶	فصل نابودی
۲۶۶	اولین جرقه های جنگ
۲۹۹	جرم کامل
۳۴۵	جنگ سوم سگ

سخن ه رجم

ابراهیم نصرالله همانا همه‌ی ویژگی‌های یک نویسنده‌ی جهانی را دارا است. اگر او را جامعه‌شناس نویسنده یا جامعه‌شناس بنامیم، هر دو برآورده‌ی او است. نیز، در و هوشیارانه آنچه را در جامعه می‌بیند به تصویر می‌کشد، گویی عقابی است که قله نشسته و هیچ چیز در جامعه از چشمان تیزبینش مخفی نیست؛ رسیدن به چنین چشم‌اندازی برای دیگران کاری است بس سترگ. ژرفای مناسبات اجتماعی را در کشورهای جهان سوم رصد می‌کند و خود مانند فیلسوفی بی‌طرف در بیرون آن می‌استند و همچون ظریفی در نفاق همه‌چیز را به طنز می‌گیرد، اما طنزی تلخ و سارده.

وی نویسنده‌ای تمام‌عیار است. گویی به من و به سویا می‌دهد که جهان سوم هم می‌تواند در عرصه‌ی جهانی حرف‌هایی بران کف‌زن داشته باشد، حرف‌هایی از بن‌بست جوامع اسلامی و سیر دگرگونی آن‌ها تا داعش و ... نگارگرانه آن قدر دقیق آن حرف‌ها را ترسیم می‌کند که پنداری این اهلیت به معجزه شبیه است تا حرکت صیوررتی یک انسان! از این نظر ابراهیم نصرالله یک رئالیست است. مسئله‌ی فلسطین را -فارغ از شکل ظاهری اش- جزئی از اندیشه‌ای می‌داند که در تک‌تک افراد جامعه رسوخ کرده است. جامعه‌های

جهان سوم را همپا با مدرن‌ترین فلسفه‌های جهانی پیش می‌برد و طرفه آنکه این جهش را ذهنیت انسان شرقی می‌شمرد.

جنگ دوم سگ از «حکومت قلعه» سخن می‌گوید؛ حکومتی که در همه‌ی افراد جامعه جاری است. قلعه هرگز فرد یا افرادی خاص نیست، تک‌تک ما است، من و تو و او و ماسک‌هایمان و لحن کلاممان تغییر می‌کند، اما در این یک چیز بیش نیست. از شخصیت "حضرتش" می‌گوید. این شخصیت بیش از آنکه صفتی باشد حقوقی است، چراکه در سرتاسر داستان "حضرتش" یک بار ظهور می‌کند و در پی آن است که بگوید آن کس که شکل مادی ندارد، سبیه هم ندارد. این گفتمان به یک‌باره حجم خودکامگی را خلاصه می‌کند و به صورت تک‌تک افراد جامعه می‌کوباند. از نظر او، در این جوامع همگان قربانی هستند و «اسان لید» استثنا ندارد. بدین سان سیاسیون و روشن‌فکران را بی‌رحمانه به باد غربی‌شلاق خود می‌گیرد. آینه‌ای جلوی مدعیان می‌نهد و چهره‌ی آن‌ها را فاش می‌کند. مراد و اتحاد جامعه از دیدگان او مخفی نمی‌شوند. او فکری مدرن دارد و هیچ گروهی را، با توجه به زیست جهان اکنونمان، تبرئه نمی‌کند. او جانی و حیانت‌ناز را جرم و زورگو و ... را در برابر متضاد آن‌ها قرار نمی‌دهد، بلکه از نظر او همه در سیدن جامعه به ناکجاآباد شریک و همراهان و همگان ابزار و وسیله‌ی آن مردم هستند.

او چرب‌دستانه هزارتوی پیچیده‌ی انسان را عریان می‌کند. بی‌نزاکتی عمومی را برملا می‌کند و در جایگاه یک روشن‌فکر اصیل این سؤال را مطرح می‌کند: «حال که شباهت انسان‌ها پدیده‌ای عمومی است، سرنوشت بشر چه خواهد شد؟» خیانت و جنایت ماحصل شباهت انسان‌ها است، زیرا هیچ

شبهی نمی‌تواند شبیه خود را تحمل کند و موضوع را بی‌رحمانه به حساس‌ترین نقطه‌ی ضعف درون جامعه می‌کشاند، به بحران ناموس که انسان‌ها به‌غایت به آن حساس‌اند. او به جامعه‌های پیشرفته هم رحم نمی‌کند و آن‌ها را هم در این عقب‌افتادگی ذهنی مؤثر می‌داند، چراکه آن‌ها نور را احتکار کرده‌اند تا دوباره جهان نوستالژیک نور و ظلمت عینیت یابد؛ آن‌ها روز را برای خود نگه‌اشته‌اند و تاریکی و شب را به دیگران هدیه کرده‌اند.

جنگ دوم سگ بر مهم‌ترین مسئله‌ی روزگار ما، یعنی رسانه، نیز با تمسخر و طنز می‌آزد. ریرا، پاره با پراکندن تخم کینه و دروغ در هر چیز نقش خود را ایفا می‌کند و سیطانی حماقت بر اذهان عقب‌افتاده تخصص دارد. او چندان امیدی هم به آینده ندارد و آینده را آکنده از همین رسانه‌ها و سرگرم کردن مردم و دادن امیدها، وای می‌بیند در حالی که در زیر پوست جامعه‌های جهان سوم جریان سیال حماقت بهشتین خود را بر همه، حتی بر نخبگان، می‌گشاید و این هم از سرگرمی‌ها و فاجعه‌ی حال و آینده است!

از نظر فرم، ابراهیم نصرالله بهترین شکل را انتخاب کرده و نهایت نبوغ را به کار برده است. رمان را، ضمن توجه به فرهنگ ایرانی، صد‌ها قسمت مجزا تقسیم کرده است. این تقسیم‌بندی تداعیگر داستان هزار و یک شب است که از رنگ بومی و پیوند فرهنگی گسیخته‌ی جوامع ما حکایت می‌کند. صد از عددهایی است که به بسیاری و فراوانی دلالت دارد. ابراهیم نصرالله هم به صدپارگی ذهن انسان جهان سوم نظر دارد و هم به صدپارگی جامعه‌ی ناپایدار و گسیخته‌ی اجتماع. او می‌پرسد: «بشر چه می‌خواهد؟» اما هیچ کس را یسارای پاسخ به او نیست. از انسانی سخن می‌گوید که نه تاب مخالف خود را دارد و

نه شبیه خود را و حتی شبیه خود را می‌کشد! پس او به راستی در پی چیست؟! او هرگز لب به نصیحت‌گری نمی‌گشاید و راه را نشان نمی‌دهد، زیرا بر این باور است که مردم باید خود بیندیشند و راه را بیابند؛ این همان چیزی که جهان سوم از آن بویی نبرده است و ذهنیت‌های غلط همواره افکار غلط را بیج می‌کند. زیرکی او به آنجا می‌رسد که جوامع اسلامی را زیر بار شدیدترین مله‌ها قرار می‌دهد و هیچ‌کس نمی‌تواند او را سانسور کند یا از او دلخور شود. این سرگمی یک هنرمند بلندنظر جهانی است. نصرالله همانا داستان‌نویسی - رمانی است؛ تولستوی جهان اسلام است. او را پاس بداریم.

در شکل روانی نیز رای بیان ذهنیت جهان سوم از چندین و چند شکل استفاده کرده است، هم رئالیست است هم جریان سیال ذهن، هم مدرن است هم پست مدرن. قلم او مثل اسب در میدان کاغذ جولان می‌دهد، گاهی می‌ایستد و شبیه می‌کشد و گاهی بلخ کامان به نظاره می‌نشیند و زمانی سرکش به رقص و حرکات نمایشی روی می‌آید. «لب چابک او رنگش هم به تناسب میدان تغییر می‌کند. قلمش را گاهی سبک و ممتنع بر روی کاغذ می‌دواند و گاهی فیلسوف‌مآبانه چنان می‌پیچاند که گویا برای خود او هم هضم‌ناپذیر است و همه‌ی این‌ها مطابقت دارد با ذهنیت پیچیده‌ی انسان غربت زده و وحشت زده که در هزارتوی لایه‌های ذهنی خود دچار بحران است و از حل آن عاجز. «بحران هویت» آگاهانه گریبانگیر نثر ابراهیم نصرالله شده است. نثر او پایان دوران "ایسم" را به هر شکل و گونه‌اش اعلام می‌کند و به دنبال انسان است، انسانی مدرن. از این منظر چاره‌ای ندارد جز تابوشکنی و خدا می‌داند چقدر اندیشه را پاس داشته و نگهبانی کرده است تا به اسلوبی

برسد که در ضمن ابهام و آشنازدایی برای همه‌ی آحاد، شورش و غوغا را متوجه خود نکند، بلکه دگم‌ترین افراد را به سؤال از خویشتن خود وادارد. او گاهی چنان استوارانه از بالا به قضایا می‌نگرد که مجال جدل را از دیگران می‌گیرد. کمتر کسی با این شیوه می‌تواند در میان ظلمت چراغ بی‌فروزد و ولوله در جان شب‌زدگان نیندازد.

رمان *سگ دوم* سگ کاری کارستان است و معنای ذاتی هنر را بی‌ادعا نمایان می‌کند و با اندک تأمل، تنورسین‌های هنر از بطن این رمان هنر امروز را بازتعریف خواهند داد. و چهارچوب آن را از نو خواهند ساخت ...

عبدالله ضابطی

آبان ۹۷